

**پکن با بانک سرمایه‌گذاری آسیا انحصار غرب را می‌شکند**

# صف‌آرایی «چین» مقابل نظم «برتون وودز»

**۱۴ روبرگرد**
**سیدرحیم نعمتی**
وزیران دارایی ۲۱ کشور روز جمعه ۱۲۴ اکتبر در پکن، مرکز چین جمع

شدند تا سند اولیه‌ای را برای تأسیس یک بانک بین‌المللی امضا کنند. بانک سرمایه‌گذاری آسیا نام بانکی است که این وزیران بر تشکیل آن توافق کرده‌اند و براساس یادداشت تفاهم امضا شده، کشورهای عضو متعهد شده‌اند تا سرمایه ۱۰۰ میلیارد دلاری را برای این بانک تأمین کنند و قرار است برای سرمایه اولیه مبلغ ۵۰ میلیارد دلار راه‌پیه کنند. مقر این بانک در پکن خواهد بود و شی جین‌پینگ، رئیس‌جمهور چین در ملاقات با این وزیران گفته است بانک سرمایه‌گذاری آسیا به بهترین و مؤثرترین شکل ممکن عمل خواهد کرد و به معیارهای بانک جهانی و بانک توسعه آسیا نیز توجه خواهد داشت. این دومین اقدام بزرگ چین برای تأسیس بانک بین‌المللی است زیرا سه ماه پیش از این، چین به همراه دیگر کشورهای عضو گروه بریکس در ششمین نشست سالانه سران، توافقنامه‌ای برای تأسیس بانک بین‌المللی و یک صندوق پولی مشترک که امضا کردند. به این ترتیب، چین برنامه مالی گسترده‌ای برای ایجاد سیستم‌های مالی در پیش گرفته که از یک طرف اهداف گروه بریکس را حمایت می‌کند و از طرف دیگر، پشتیبان توسعه در کشورهای آسیایی است. این دو هدف چین به طور طبیعی رقابت قابل توجهی با نهادهای مالی بین‌المللی به راه می‌اندازد که از جنگ جهانی دوم به این سو بر نظام مالی جهان تسلط داشته‌است.

**■ قدرت اقتصادی چین**

اولین نکته قابل توجه در مورد انگیزه چین برای به راه انداختن بانک‌های بین‌المللی در موقعیت اقتصادی چین است. شورای ملی امریکا در فوریه سال گذشته میلادی در گزارش سالانه خود وضعیت اقتصاد جهان را در ۲۰۳۰ ترمیم و پیش‌بینی کرد اقتصاد چین در کمتر از ۲۰ سال از اقتصاد امریکا پیشی خواهد گرفت و مبدل به قدرتمندترین اقتصاد جهان خواهد شد. این پیش‌بینی در حالی انجام گرفت که سازمان همکاری‌های اقتصادی توسعه چین از آن اعلام کرده بود اقتصاد چین تا پایان ۲۰۱۶ مبدل به بزرگ‌ترین اقتصاد جهان خواهد شد و از اقتصاد امریکا پیشی خواهد گرفت. جالب است که برخی پیش‌بینی‌ها این زمان را جلوتر آورده‌اند به صورتی که صندوق بین‌المللی پول در گزارش ماه آوریل سال جاری تفوق اقتصادی چین بر اقتصاد امریکا را در سال جاری میلادی پیش‌بینی کرد که بعد از چین به ترتیب، کشورهای امریکا، هند و ژاپن دیگر کشورهای قدرتمند اقتصاد جهان را تشکیل می‌دهند. این ارزیابی‌ها حداقل برتری اقتصاد چین بر اقتصاد امریکا را حتمی می‌دارند و وقوع آن در سال جاری میلادی یا ۲۰۱۶ و سال‌های بعدی چندان اهمیتی ندارد. در عبارت دیگر، سازمان‌ها و نهادهای اطلاعاتی جهانی بر این موضوع توافق دارند که با برتری اقتصاد چین، سلطه اقتصادی امریکا بر نظام اقتصادی جهان به پایان خود خواهد رسید، سلطه‌ای که از ۱۸۷۲ به این سو باعث شده بود امریکا مبدل به ابرقدرت اقتصادی جهان باشد. معلوم است که چین برای رسیدن به مقام اول اقتصادی جهان و تثبیت آن نیز به سزا و کار مالی قابل اطمینان دارد تا گذشته از آنکه روند قدرت اقتصادی آن را تضمین کند، موقعیت چین از زمان آغاز اقتصادی متکی به نظام

قابل اطمینان باشد. در واقع چین اگر بخواهد به برتری پیش‌بینی شده دست یابد چنان نظام مالی را تعریف و ساماندهی کند که از این موقعیت حمایت کند تا نظام مالی موجود که بیشتر در خدمت برتری اقتصاد امریکا یا چند کشور قدرتمند اقتصادی اروپایی است. دلیل اصلی در است که چین را به سمت طراحی دو برنامه جهانی و آسیایی نسوق داده است که این موضوع خود به خود رقابت با دو نظام مالی جهانی را ایجاد می‌کند.

**■ رقابت بین‌المللی بانکی**

آیا چین رقابت مالی با بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول به راه انداخته است؟ پاسخ مثبت است چون چین در گروه بریکس و نشست وزیران دارایی ۲۱ کشور به صورت مشخص این مسیر را در پیش گرفته‌است. دلیل اصلی در نقش این دو نهاد بین‌المللی است که چندان با موقعیت آینده اقتصادی چین و برنامه‌های بلندمدت اقتصادی این کشور همخوانی ندارند. بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول (IMF) دو نهادی هستند که از خاکستر جنگ جهانی دوم سر بر آورده و پایه‌های آنها در کنفرانس برتون وودز پیدیزی شد تا سیستم اقتصادی جهان بعد از جنگ جهانی دوم را بر اساس اندیشه‌های هری داکستر وایت و جان مینارد کینز ترسیم کند. در عمل، این سیستم برتری اقتصادی امریکادر وهله نخست و بعداروپا را تضمین کرده به صورتی که از آن زمان تاکنون و به طور سنتی، بانک جهانی با ریاست امریکایی و صندوق بین‌المللی پول با ریاست اروپایی اداره شده‌است. نقش حمایتی صندوق بین‌المللی پول از کشورهای بحران‌زده اروپایی در سال‌های اخیر نشان داد که ریاست اروپایی آن تنها یک نشانه سمبلیک وستی نیست بلکه به واقع، این نهاد در خدمت اقتصاد اروپاست و برای این طراحی شده تا نگذارد بحران مالی باعث فروپاشی

در وهله نخست، اسامی کشورهای حاضر برای تأسیس بانک سرمایه‌گذاری آسیا در پکن خط قابل توجهی را در نقشه قاره نمایش می‌دهند. فیلیپین، سنگاپور، تایلند، بنگلادش، برونی، کامبوج، لائوس، ویتنام، مالزی، میانمار، نپال، سریلانکا، مغولستان، هند، پاکستان، قزاقستان، ازبکستان، عمان، قطر و کویت ۲۰ کشوری هستند که به همراه چین این بانک را تأسیس کرده‌اند و حضور این کشورهای به معنای خطی از اقیانوس آرام تا

## ارکستر چپ‌های جدید امریکای لاتین به رهبری برزیل

داد. هر چند برزیل در دهه اخیر رشد اقتصادی بالایی را تجربه کرده و باسیاست‌های مناسب توانسته فقر و بیکاری را در این کشور کاهش دهد اما طی یک سال گذشته در عرصه اقتصادی، در بحبوحه اعتراض‌های گسترده در این کشور علیه فساد و صرف هزینه‌های هنگفت برای برگزاری مسابقات جام جهانی فوتبال و اختصاص نیافتن بودجه کافی به بخش‌های آموزش، بهداشت و حمل و نقل عمومی، شاهد افزایش تورم و رکود بود که این امر نیازمند توجه بیشتر دولت در عرصه اقتصادی است.

**■ بهبودسیاست‌های اجتماعی**

از زمان روی کار آمدن روسف در سال ۲۰۱۰، سرمایه‌گذاری دولتی در بخش‌های اجتماعی از جمله مسکن، بهداشت و آموزش چند صددرصد رشد داشته و جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی، برزیل را به اولین مقصد برای بودجه‌گذاری در امریکای لاتین تبدیل کرده‌است. با توجه به تمام مشکلات و تظاهرات میلیونی مردم علیه فساد مالی، رأی اعتماد دوباره برزیلی‌ها به روسف نشان از رضایت مردم از سیاست‌های روسف دارد. بر اساس برآوردهای سازمان ملل، سیاست‌های مالی و اقتصادی روسف باعث خروج نزدیک به ۴۰ میلیون برزیلی از زیر خط فقر شد و شکاف طبقاتی در برزیل را به کمترین حد کاهش داد و آنها را تبدیل به اعضای متوسط جامعه کرد. یعنی آنها دیگر دغدغه نیاز اساسی به غذا ندارند بلکه نیازمند خدمات بهداشتی و

## زمانی که چهار سال قبل روسف رئیس‌جمهور برزیل شد، برخی کارشناسان منطقه معتقد بودند که روی کار آمدن روسف به تداوم سیاست خارجی داسیلوا که به نوعی به رهبری سیاست‌های استقلال طلبانه در امریکای لاتین انجامیده، منجر خواهد شد و ائتلاف چپ‌های امریکای لاتین را در برابر نفوذ ایالات متحده تقویت می‌کند و این سیاست تاکنون به خوبی پیاده شده‌است

موقعیت اقتصادی این منطقه از جهان شود. از طرف دیگر،

کشورهای عضو بریکس و در حال توسعه انتظار اصلاحاتی در صندوق بین‌المللی را دارند که در ۲۰۱۰ مطرح کرده بودند تا آنکه میزان وام‌دهی صندوق به این کشورها افزایش پیدا کند و همچنین این کشورها از حق رأی بیشتری در صندوق برخوردار شوند. امریکا حاضر به پذیرش چنین اصلاحاتی نشده و همین نیز باعث شده تا اعضای گروه ۲۰ در اجلاس ماه آوریل خود در یک صف مقابل این کشور امریکا بایستند و جی‌بی‌هاکی، وزیر خزانه داری استرالیا و رئیس دوره‌ای گروه ۲۰ پس از نشست این گروه در واشنگتن گفت: «ما همگی از تداوم کوتاهی امریکا در به نتیجه رساندن این اصلاحات مأیوس شدیم. این اصلاحات همواره از سوی کشورها امریکا رد شده‌اند.» در واقع، انحصارطلبی امریکا و خودداری این کشور در انجام این اصلاحات بود که کشورهای بریکس را به تأسیس بانکی برای خود متقاعد کرد و علاوه بر این، چین را در مسیر بانک موازی در حوزه آسیایی کشانده اما تأسیس جنگ سرمایه‌گذاری آسیایی گام دیگر این کشور است و در این مسیر باید به حمایت این نهاد مالی در پیوندهای اقتصادی چین در حوزه آسیا توجه کرد.

**■ چین و توسعه آسیایی**

در وهله نخست، اسامی کشورهای حاضر برای تأسیس بانک سرمایه‌گذاری آسیا در پکن خط قابل توجهی را در نقشه قاره نمایش می‌دهند. فیلیپین، سنگاپور، تایلند، بنگلادش، برونی، کامبوج، لائوس، ویتنام، مالزی، میانمار، نپال، سریلانکا، مغولستان، هند، پاکستان، قزاقستان، ازبکستان، عمان، قطر و کویت ۲۰ کشوری هستند که به همراه چین این بانک را تأسیس کرده‌اند و حضور این کشورهای به معنای خطی از اقیانوس آرام تا

# جهان

سرویس بین‌الملل ۸۸۴۹۸۴۴۴

## سازوکار اسرارآمیز فروش نفت اقلیم کردستان

**۱۴ پرونده**

در تاریخ بیست و

سوم ماه ژوئیه یک نفتکش متعلق به یونان به نام یونایتد کالاوریتا (United Calavryta) به سواحل فلوریدا و خلیج مکزیک وارد شد. چیزی که کالاوریتا را از بقیه نفتکش‌ها مجزا می‌کرد این بود که محموله‌اش متعلق به حکومت نیمه مستقل اقلیم کردستان در شمال عراق بود. میزان ذخایر نفتی اقلیم کردستان عراق ۴۵ میلیارد بشکه برآورد شده‌است. کردها معتقدند حق دارند نفت خود را تولید و در بازارهای بین‌المللی به فروش برسانند اما حکومت مرکزی در بغداد با این امر مخالف است.

زمانی که کالاوریتا به سواحل ایالات متحده رسید دولت عراق به دادگاه فدرال هیوستن شکایت کرد و خواستار آن شد که نفتکش اجازه نماند محموله‌اش را تخلیه کند. عراق از امریکا خواست که محموله نفتی را توقیف کند و هر کسّی که آن را خریداری کند را به عنوان خریدار یک محموله دزدی تحت تعقیب قضایی قرار دهد. یک قاضی در دادگاه هیوستن برای محموله قرار توقیف صادر کرد و این نیروی دریایی امریکا نیز خواست که اگر کالاوریتا وارد آب‌های امریکا شده باشد، نفت آن را توقیف کند. چند روز بعد که درهانسبت به تصمیم آن قاضی اعتراض کردند یک قاضی دادگاه منطقه‌ای به نام «گری میلر» موضوع را پیچیده تر کرد. در تاریخ ۲۵ آگوست او به نفع کردها رأی داد و ادعا کرد او این اختیار را ندارد که مانع تخلیه بار نفتکش در بندر امریکایی شود. در حالی که وضعیت حقوقی نفتکش مشخص نشده بود و عراقی‌ها هم بافصله به حکم میلر اعتراض کرده بودند کالاوریتا در ساعت هشدهد ماه بیست و ششم آگوست ناپدید شد.

طبق قانون اساسی عراق، کردستان تنها می‌تواند نفت خود را از طریق وزارت نفت عراق بفروشد. در عوض بغداد متعهد شده است یک درصد ۱۷ درصدی از کل درآمد نفتی کشور را به کردها واگذار کند که ماهانه چیزی حدود یک میلیارد دلار می‌شود. از چند ماه پیش که عراق دستخوش آشوب شد این ترتیبات نیز به هم خورده‌است. براساس اطلاعاتی که به دست بلومبرگ رسیده است، به‌رغم مخالفت‌های بغداد، کردها از ماه می تاکنون

خلیج فارس و حتی عمق قاره آسیاست که در تشکیل این بانک نقش دارد. هدف اعلام شده از این بانک در جهت حمایت از زیرساخت‌های کشورهای آسیایی است که به صورت روشن حمایت از نقش آن برای حمایت از اقتصاد کشورهای عضو داد. از آن جهت که مرکز این بانک در چین خواهد بود و علاوه بر این، چین بیش از ۵۰ درصد سهام آن را در دست خواهد داشت، می‌توان گفت که چین موقعیت محوری را در ایفای این نقش خواهد داشت و از طریق این بانک و نقش آن به طور مستقیم در توسعه زیرساخت‌های اقتصادی کشورهای عضو حضور خواهد داشت. این امر از یک جهت به تداوم رشد و توسعه اقتصادی چین کمک خواهد کرد زیرا حضور فعال چین در توسعه زیرساخت‌های این کشورها به معنای فعالیت گسترده شرکت‌ها و حتی نهادهای مالی چینی در کشورهای عضو این بانک است. این اصلاحات بود که کشورهای بریکس را به تأسیس بانکی منطقه‌ای برای ائت اقتصادی چین به حداقل برسد چراکه این مسیر به طور بیستند و جی‌بی‌هاکی، وزیر خزانه داری چین با کشورهای عضو شده و منافی را برای این کشورها ایجاد می‌کند که برای حفظ این منافع حاضر به فاصله گرفتن از اهداف سیاسی - اقتصادی چین نشوند. شاید به دلیل همین نتایج است که امریکا با نوعی بدبینی به تأسیس این بانک نگاه کرد و حتی بر استرالیا فشار وارد آورد تا نماینده‌ای به پکن نفرستد و جن ساکی، سخنگوی وزارت خارجه امریکا هم به صراحت از نگرانی‌های امریکا در مورد «ماهیت مبهم پیشنهاد چین برای تأسیس بانکی سرمایه‌گذاری» گفت. شاید عدم حضور نماینده‌ای از ژاپن برای مشارکت در تأسیس این بانک هم تحت فشار امریکا باشد تا حداقل این قدرت اقتصادی نقشه در تأسیس این بانک و همراهی با پکن نداشته باشد.

بیش از ۱۸ میلیون بشکه نفت را از بندر جیحان ترکیه بارگیری کرده‌اند. اطلاعات موثقی وجود دارد که بیش از ۱۳ میلیون بشکه از آن مقدار تخلیه شده است خواه این کار در یک بندر صورت گرفته باشد یا محموله‌ها به نفتکش‌های دیگری (در یرا) منتقل شده‌اند.

نفتکش ۹۰۰ پایی کالاوریتا تبدیل به مهم‌ترین مهره شطرنجی شده است که کردها در اختیار دارند؛ یک میلیون بشکه نفت‌خام در دره‌های بزرگ‌ترین بازار جهان لنگر انداخته است. اگر کردها بتوانند به صورت رسمی قانونی نفت خود را در داخل ایالات متحده امریکا بفروشند خواهند توانست آن را در جاهای دیگر بفروشند. به‌رغم این کردها از قرار معلوم نمی‌خواهند منتظر تصمیم دادگاه است. امریکا باشند. نمونه کالاوریتا نشان می‌دهد که آنها راهی را برای فروش نفت شان یافته‌اند؛ ناپدیدشد کنن. از ۲۵ نفتکش حامل نفت کردستان که از ماه می ترک کرده‌اند ۱۳ عدد از آنها ناپدید شده‌اند درست همانطور که کالاوریتا در تاریخ ۲۶ آگوست محو شد. غالب اوقات این اتفاق در همان دریای مدیترانه روی می‌دهد، جاهایی در خارج از سواحل مالت یا قبرس یا اسرائیل یا برخی اوقات چند مایل آن طرف تر از بندر جیحان. اگر چه این شیوه فروش را نمی‌توان قاچاق نام نهاد اما به گفته چارلی پاپاوویازس (Charlie Papavizas) که در دفتر وکالت وینستون و استراون (Winston & Strawn) در واشنگتن کار می‌کند: «هفتی که یک نفتکش به آب‌های آزاد می‌رود چند و چون معامله آن مشخص نیست. کاری که کردها می‌کنند حراج نفتشان است، در این زمینه شکی وجود ندارد.»

کردها به جای آنکه نفتشان را مستقیماً از بندری به بندر دیگر منتقل کنند و اطلاعات محموله‌های نفتی‌شان را ثبت کنند، فقط نفت را از نفتکشی به نفتکش دیگری در دریا منتقل می‌کنند و این کار را اغلب در شب انجام می‌دهند و غالباً فرستنده را بعد یونی نفتکش را خاموش می‌کنند تا ماهواره‌ها نتوانند موقعیت



کارخانه زیرمجموعه کمپانی آکسون سبشیالیتی

خدراتی قانونی (legal jeopardy) متوجه خریداران خواهد شد. کردها به سهم خود تلاش می‌کنند ثابت کنند حداقل تقاضاهای غیرقانونی برای نفتشان وجود دارد و اینکه خریداران قانونی در ایالات متحده وجود دارند این خود در توضیح این امر کمک می‌کند که چسرا کالاوریتا و محموله یک میلیون بشکه‌ای‌اش سر از خلیج مکزیک در فاصله چند دقیقه‌ای از سواحل امریکا درآورده است. سه روز بعد از آنکه کالاوریتا ناپدید شد، دوباره پدیدار شد و محموله‌اش هم ظاهراً دست نخورده باقی مانده بود و تقریباً در همان محل قبلی در خلیج لنگر انداخته بود. مولی هیسلوب (Molly Hislop) که مدیر ارتباطات جنسکپ است، می‌گوید: «آن سه روز فرصت خوبی برای انتقال نفت کالاوریتا بود، اما ما نمی‌توانیم این را ثابت کنیم.»

کردها دوستان زیادی در واشنگتن دارند. کمتر از یک مایل از شمال کاخ سفید، یک خانه کوچک سه طبقه‌ای وجود دارد که دو پرچم بر سر در آن اویزان است. پرچم قرمز، سفید و سبز کردستان و پرچم قرمز، سفید و سیاه عراق. این ساختمان دفتر نمایندگی حکومت اقلیم در امریکاست. این دفتر به عنوان سفارتخانه دو فاکتوری کردستان در ایالات متحده امریکا عمل می‌کند.

زبیری در حالی که در طبقه دوم دفتر نشسته است می‌گوید خریداران مرتباً رنگ می‌زنند و در مورد فروش نفت خام کردستان از ما سؤال می‌پرسند. او می‌گوید: «فت ما مشتری زیاد دارد. می‌خواهد باور کند یا نه، بعد از مطرح شدن قضیه کالاوریتا این تماس‌های تلفنی بیشتر به هم شده‌اند.» قیمت جهانی نفت از زمانی که آن محموله در ترکیه بارگیری شد حدود ۲۵ درصد پایین آمده است یعنی از ارزش آن محموله حدود ۲۵ میلیون دلار کاسته شده است. برخی از تحلیلگران مسائل کردها می‌گویند آنها در تلاش برای فروش نفتشان دست به قمار بزرگی زده‌اند. منبع: کرد پرس به نقل از بلومبرگ بزنس ویک